

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال هشتم، شماره سی و دوم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۶۸ - ۲۹

بینامتنیت قرآن و حدیث در اشعار تعلیمی حافظ شیرازی بر اساس نظریه‌های ناقدان ادبی

دکتر احمد خواجه‌ایم* - دکتر سید محمد علوی مقدم**

دکتر عباس محمدیان*** - مسلم رجیبی****

چکیده

یکی از رموز مانایی و ماندگاری اشعار تعلیمی حافظ، پیوند ناگسستنی آن با آیات و احادیث است. این شاعر زبردست در بهره بردن از این مضامین و حیانی و روایی، چنان استادانه و ماهرانه عمل می‌کند که عواطف هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد و او را به تأمل در این آموزه‌های قرآنی - روایی وامی‌دارد. از آن جا که بینامتنیت یکی از مهم‌ترین مباحثی است که توجه پژوهشگران ساختارگرا و پساساختارگرا را به خود معطوف کرده است و این دستاورد نوین در حوزه ادبیات، به بررسی وجوه تشابه و تفارق و نیز

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری a.khajehim@hsu.ac.ir

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد m-alavi2007@yahoo.com

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری mohamadian@hsu.ac.ir

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

moslem.rajabi@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۹۵/۸/۱۹

تاریخ وصول ۹۵/۵/۱۱

تأثیرپذیری یک متن از متون دیگر می‌پردازد و مقتضی آن است که ادیب از متون قدیمی یا معاصر خود آگاهی لازم را داشته باشد تا بتواند از آن متون در اثر خود بهره گیرد. ما در این پژوهش برآنیم تا دیوان اشعار حافظ را بر اساس نظریه بینامتنی ناقدانی هم چون باختین، کریستوا، بارت، ریفاتر، لوران ژنی، ژرار ژنت و ... نقد و بررسی کنیم تا وام‌گیری‌های آگاهانه یا غیرمستقیم خواه از آیات و روایات و نیز ترفندهای ادبی بیان این مضامین، بیشتر بر همگان مکشوف گردد.

واژه‌های کلیدی

بینامتنیت، نظریه‌های ادبی، قرآن، حدیث، اشعار تعلیمی حافظ

۱- مقدمه

بینامتنیت و نقد بینامتنی از جمله مباحث مهم نقد ادبی است که در عرصه‌های مختلف ادبی راه یافته است و پژوهش‌ها و آثار ارزشمندی را به خود اختصاص داده. نظریه پردازان مختلف هر یک از منظری به این مفهوم نگریسته‌اند و آن را در نقد متون مختلف به کار گرفته‌اند (روضاتیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). بینامتنیت با هدف کشف نشانه‌ها و آثار متون دیگر بر یک متن، در پی این است که روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر را به‌عنوان متن غایب بررسی کند و به تعاملات گوناگون ادبی، زبانی و فرهنگی بپردازد (صلاحی مقدم و امیری، ۱۳۹۲: ۱۲۱۲) به‌گونه‌ای که خواننده را در درک عمیق‌تر و فهم بهتر یک متن یاری رساند. گرچه بینامتنیت قدمتی دیرینه دارد (سلمانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۷) ولی برخی معتقدند بینامتنی از پدیده‌های نوظهور در نقد ادبی معاصر به شمار می‌آید که روابط بین متون را نقد و بررسی می‌کند و بر اساس آن می‌توان متون مختلف و سروده‌های شاعران را تشریح و نقد کرد. نظریه

تعامل متن‌ها یکی از مهم‌ترین مباحثی است که توجه پژوهشگران ساختارگرا و پس‌اساختارگرا مانند کریستوا، بارت، ژنت، دریدا و ... را به خود جلب کرده‌است (حیدری و دارابی، ۱۳۹۲: ۵۸). در حقیقت متن به شکل فراینده‌ای از تجربه شاعر و نویسنده بهره می‌برد و اقتباس‌های بینامتنی به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه به آن اضافه می‌شود. این دستاورد نوین در حوزه ادبیات، به بررسی وجوه تشابه و تفارق و نیز تأثیرپذیری یک متن از متون دیگر چه در حوزه شعر و چه در حوزه نثر می‌پردازد و مقتضی آن است که ادیب از متون قدیمی یا معاصر خود آگاهی لازم را داشته باشد تا بتواند از آن متون بهره گیرد. قبل از طرح هر مبحثی بهتر است این واژه را از لحاظ ریشه شناختی نقد و بررسی کنیم. بینامتنیت در نقد معاصر ایران، ترجمه اصطلاح فرانسوی *intertext* است (العانی، ۱۹۹۹: ۲۵۳؛ الرباعی، ۲۰۰۹: ۲۰۳؛ ماضی، ۲۰۰۵: ۱۷۵، نعیمه، ۲۰۰۱: ۲۸۴-۲۸۳). کلمه *inter* در زبان فرانسه یعنی تبادل و تعامل و نیز کلمه *text* به معنای متن است و اصل آن از فعل لاتینی *textere* مشتق شده است. بدین ترتیب مفهوم لغوی این اصطلاح «تبادل متنی» است (امانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶؛ ناهم، ۲۰۰۴: ۱۳). برخی هم معنای اصلی بینامتنیت را از (*interweaving*) به معنی درهم بافتن دانسته‌اند و معتقدند این اصطلاح در این حوزه‌ها ناظر است به شکل یافتن هر مفهوم از مؤلفه متنی متعدد (صافیان، غیاثوند، ۱۳۹۰: ۱۱) که در زبان فارسی به بینامتنیت، بینامتنی، میان‌متنی و نیز در زبان عربی به «التناص» ترجمه شده است (خسروی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۸/۳؛ اناری بزچلوئی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۵). تناص از ریشه «نصص» (أنطون، ۱۳۷۰: ۷۵۰) است و کلمه در باب تفاعل مفید معنای تداخل و مشارکت دارد؛ پس تناص یعنی مشارکت و تداخل متنی در متن دیگر جهت به وجود آمدن متنی جدید (نظری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۵۶/۶). ابن منظور لفظ «نص» را به معنی ارائه کردن و عرضه کردن تعریف کرده است: النص: رفْعُک الشیء. نصّ الحدیثُ یُنصّ نصّاً؛

رفعه؛ و کلّ ما قد أظهر فقد نصّ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۲/۲). در حقیقت اصطلاح "التناص" یا "النصوصیه" به معنی انتقال معنی یا لفظ یا هر دو، از یک متن به متنی دیگر و یا ارتباط متنی با متن یا متون دیگر است (عبدالعاطی، ۱۹۹۸: ۴) که از نظر زبانی، وزنی و معنایی بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر پذیرفته‌اند (رنجبر و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰).

حال شعرا و ادبای مسلمان که به‌عنوان خطیبان نامور و مبلّغان حقیقی آموزه‌های دینی و مذهبی به شمار می‌رفتند، نمی‌توانستند از تأثیر دو سرچشمه نورانی (قرآن و روایت) برکنار بمانند. تأثیر قرآن بر ادبیات فارسی بیش از ادبیات عربی است؛ زیرا در عهد ساسانی ایرانیان از زبان رایج آن زمان دور شده بودند چرا که در قرن اولیه زمان کاملاً مناسبی بود تا ایرانیان به زبان عربی آشنایی و اشراف پیدا کنند و لطایف آن را دریابند؛ یعنی شعری مقبول‌العام تر بود که سبک و سیاق آن به اشعار عرب شبیه‌تر و قریب‌تر باشد. در نتیجه علمای نحو و معانی و بیان از میان ایرانیان قد علم کردند مانند عبدالقادر جرجانی، ملّا سعد تفتازانی، سیبویه و... به تدریج در قرن ششم هجری و پس از آن، فرهنگ قرآنی و روایی بر شعر سیطره عام یافت و در شعر شاعران اشارات قرآنی زیاد شد اما اوج استفاده از قرآن در شعر فارسی در اشعار شاعران عراقی متبلور است چراکه «بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی و روشنفکری بود و این خود گونه‌ای افتخار برای گوینده شمرده می‌شد، به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث، به سروده شاعر نیز گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آنان را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر می‌ساخت» (راستگو، ۱۳۷۶: ۴). «از جمله ویژگی‌های شعر اسلامی و شیعی به‌کارگیری گسترده مفاهیم و مضامین قرآن و حدیث است و همین در هم تنیدگی آن با آیات و احادیث باعث غنای مفاهیم آن شده است» (مسبوق، ۱۳۹۱: ۳۲). در حقیقت تأثیرپذیری شعر پارسی از قرآن و حدیث را می‌توان

در سه حوزه واژگانی، قالبی و مضمونی دانست (اسلامی نژاد آرانی، ۱۳۷۹: ۱۲). از آن جا که «پند و اندرز، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات گونه‌های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی است و حتی درون‌مایه‌های تغزلی و حماسی در ادبیات فارسی به نوعی با آموزش‌های اخلاقی پیوند یافته است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۷۱)، این پژوهش سعی دارد تا از دیدگاه نظریه‌پردازان بینامتنی، اشعار تعلیمی حافظ را در سایه سار آیات و روایات مورد بررسی کند. بدیع بودن موضوع می‌تواند ما را به درک درستی از اشعار تعلیمی حافظ و نیز پیوند مستحکم آن را با آموزه‌های وحیانی و روایی یاری رساند.

۲- سؤال پژوهش

۱-۲- آیا حافظ در آثار خود سعی در به کاربردن آموزه‌های قرآنی و تعالیم روایی داشته است؟

۲-۲- از دیدگاه بینامتنیت، آیا خواجه در اشعار خویش به‌طور مستقیم و نیز به‌صورت آگاهانه اقدام به آوردن آیات و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام کرده است؟ یا بیشتر سعی در پنهان نمودن این لایه‌های بینامتنی داشته است؟

۲-۳- آیا با نگاه بینامتنیتی می‌توان به رابطه مستحکم اشعار خواجه با قرآن و روایت پی برد؟

۳- فرضیه پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که خواجه در اشعار سعی کرده‌است حتی‌الامکان برای تیمن و تبرک آیات نورانی قرآن و احادیث را به کار برد. از آن جا که خواجه الفاظ قرآنی- حدیثی را گاه در اشعارش به‌وضوح به کار برده، از دیدگاه بینامتنیت، این احتمال داده می‌شود که وی مستقیماً مضامین دینی را در شعرش به کار برده باشد. نگاه بینامتنی به

اشعار حافظ می‌تواند در بردارندهٔ لطائف و دقایق بی‌شماری باشد که لذت خواندن اشعارش را دوچندان خواهد نمود. در ادامه به همه این مسائل و فرضیه‌ها، به‌درستی پاسخ داده خواهد شد.

۴- پیشینه پژوهش

درباره بینامتنیت تحقیق‌های زیادی صورت گرفته است. آلن، گراهام (۱۳۸۰). بینامتنیت؛ اقبالی، عباس و فاطمه حسن خانی (۱۳۹۰). «بینامتنیت قرآنی در صحیفهٔ سجادیه»، فصلنامه ادبیات دینی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ حسین زاده، آذین و کتایون شهپراد (۱۳۹۴). «از بینا خوانش تا بینامتنیت؛ روایت شناسی میراث عاشورا در آثار داستانی محمود دولت‌آبادی»، فصلنامهٔ متن پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبایی؛ حسن زاده میرعلی عبدالله، قنبری عبدالملکی رضا (۱۳۹۰). بازتاب اشعار سنتی و معاصر فارسی در شعر شفيعی کدکنی (با رویکرد به نظریهٔ بینامتنیت)، پژوهشنامهٔ ادب غنایی؛ خانجان علیرضا، میرزا زهرا (۱۳۸۶). بینامتنیت و پیامدهای نظری آن در ترجمه؛ کریمیان فرزانه (۱۳۹۰). بارس و شاتوبریان: از گفتگومندی تا بینامتنیت، قلم. لیکن به پژوهشی که به جلوهٔ بینامتنیت قرآنی و حدیث در اشعار تعلیمی حافظ بپردازد، آن هم بر اساس نظریهٔ ناقدان بینامتنی، کمتر اهتمام و توجه نشان داده شده است.

۵- بینامتنیت قرآن و حدیث در اشعار تعلیمی حافظ شیرازی بر اساس نظریه‌های

ناقدان ادبی

"بینامتنیت" اصطلاحی تازه و نو محسوب می‌شود که در دههٔ شصت توسط غربی‌ها مطرح شد سپس در ادبیات عرب ریشه گسترانید و به سایر کشورها کشیده شد (امامی، ۱۳۹۳: ۳۲۵/۱). اصطلاح بینامتنیت که در پرتو جریان‌های نقدی جدید در غرب

شکل گرفت بدین معنی است که اثر ادبی در ارتباط با آثار دیگر درک می‌شود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۱، ص: ۳۰). امروزه ما با یک بینامتنیت سروکار نداریم بلکه با انواعی از بینامتنیت‌ها روبه‌رو هستیم که از آن میان می‌توان به بینامتنیت آگاهانه و غیرآگاهانه محمد عزام (رستم پور، ۱۳۸۴: ۸)؛ تناص پنهان و آشکار نعیم الیافی (بیگ باباپور، ۱۳۸۴: ۹۹)؛ بینامتنیت تولید و دریافت کریستوا و ریفاتر (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۷۷)؛ بینامتنیت جزئی، متوازی، کلی محمد بنیس (سالم، ۲۰۰۷: ۵۱)؛ بینامتنیت احتمالی، بینامتنیت حتمی مایکل ریفاتر (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۶۷)؛ بینامتنیت خطی، بینامتنیت تقدیر العانی (العانی، ۱۹۹۸: ۹۶)؛ بینامتنیت داخلی، بینامتنیت خارجی نجم (نجم، ۲۰۰۱: ۷۲)؛ بینامتنیت صریح، غیرصریح و ضمنی ژرار ژنت (حلبی، ۲۰۰۷: ۲۹، ۳۱)؛ ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۸)؛ بینامتنیت ضعیف، بینامتنیت قوی لوران ژنی (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۳۸-۲۳۱)؛ بینامتنیت لفظی، مضمون، ذاتی مرتاض (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۷)؛ بینامتنیت مستقیم، بینامتنیت غیرمستقیم جمعه (شبل، ۲۰۰۷: ۸۰-۷۹؛ جمعه، ۲۰۰۳: ۱۵۸)؛ بینامتنیت نسل اول بینامتنیت نسل دوم نامور مطلق (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۶۶ و ۱۶۷) و بینامتنیت موضوع (ر.ک. العامری، بی تا: ۸-۵). بینامتنیت دارای قواعد و روابطی است که مهم‌ترین بخش بینامتنیت را تشکیل می‌دهد. حضور متن غایب در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به‌عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد کرده‌اند.

۱- «متن حاضر» که از آن به متن لاحق یا متن موجود نیز تعبیر می‌شود و متن غائب باعث تولید آن به‌عنوان متن اصلی شده است به‌گونه‌ای که متن حاضر = اصلی موجودیت خود را مدیون متن نهانی و غائب می‌داند (جمعه، ۲۰۰۳: ۶۸).

۲- «متن غائب» که متن سابق یا متن مفقود نیز نامیده می‌شود؛ به عبارت دیگر متن و متون ارجاعی که متن اصلی را تفسیر می‌کند، «متن غایب» نامیده می‌شود. لیچه در تبیین و تشریح متن غائب ضمن اعتقاد به این‌که تمامی متون از رابطه بینامتنی و تداخل

نصوص برخوردارند، تأکید می‌کند که متن، ذات و ماده‌ای واحد نیست بلکه گستره‌ای دامنه‌دار از روابط با دیگر متون است و مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ارجاعاتی بی‌شمار محسوب می‌گردد که به صورت خودآگاه و ناخودآگاه بروز می‌کند (ماضی، ۱۷۵:۲۰۰۵).

۳- «روابط بینامتنی» یا عملیات بینامتنی که نحوه تعامل متن حاضر و متن غائب و چگونگی ارتباط آن‌ها را بازگو می‌کند (جمعه، ۱۶۸:۲۰۰۳).^۱ در حقیقت رابطه بینامتنی در واقع، چگونگی کوچ معنا را از متن غایب به متن حاضر روشن می‌کند و مشخص می‌سازد که در این انتقال چه تحولاتی روی داده تا متن نوین و کنونی شکل گرفته است. عملیات بینامتنی همان بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط بین آن‌هاست. (میرزایی، ۳۰۸:۱۳۸۸). این مرحله مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است.

از آن جا که دیوان حافظ از لحاظ در برداشتن نصایح و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و پندها و اندرزها، یکی از بی‌نظیرترین دواوین شعر فارسی است (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۶) ما در ذیل برخی از ابیات تعلیمی خواجه راز را بر اساس آرای ناقدان بینامتنی و با توجه به آیات و روایات، تشریح می‌کنیم:

۱-۵- اجتناب از خوردن مال شبهه‌ناک:

متن غائب:

حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ: کسی که در داخل کارهای شبهه ناک بیفتد، سرانجام در افعال حرام خواهد افتاد (ورام، ۱۳۷۱: ۲/۲۶۷).

متن حاضر:

نقد دلی که بود مرا صرف باده شد قلب سیاه بود از آن در حرام رفت
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۸۴)

عملیات بینامتنی:

شرع مقدس اسلام سوای از این که مسلمانان را از مال‌اندوزی و تکثرگرایی بر حذر داشته و پیوسته به انفاق و تعاون به یکدیگر توصیه می‌کند. همگان را از خوردن مال شبهه‌ناک بر حذر داشته و به ارتزاق حلال سوق داده است. در روایات وارده از حضرات معصومین علیهم‌السلام آمده است که «عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آن روزی حلال است» (فلسفی، ۱۳۶۸: ۲۵۰/۳). در آیات و روایات درآمد حرام و خوردن اعمال دیگران را به باطل و ستم از مصادیق بارز حرام شمرده است. به‌عنوان نمونه در قرآن کریم خداوند تبارک و تعالی چنین می‌فرماید: *وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ* (بقره، ۱۸۸). حافظ هم به استناد بیت بالا عقیده دارد که مال حرام و تقلبی صرف کارهای حرام و خوراک‌های نامشروع می‌شود. حتی در نظر حافظ خوردن مال وقف و غضب، حرمتش بالاتر از شرب خمر است. آنجا که از قول مفتی عصرش می‌گوید:

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد که می حرام، ولی به ز مال اوقاف است
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۰۶)

آن گاه جانب خویش و ساحت خود را از داشتن هرگونه مال شبهه و حرامی مبرا می‌داند و با غرور و افتخار در بیتی به‌عنوان هم متن با بیت متن حاضر می‌سراید:

بیا که خرقة من گرچه رهن میکده‌هاست ز مال وقف نبینی به مال من درمی
(حافظ، ۱۳۶۲: ۹۴۰)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با جناسی که با واژه قلب به کار می‌برد معتقد است که اموال شبهه‌ناک راهی به تزکیه درون و پاکی قلب ندارد و از آن جز سیاهی و تباهی چیزی به عمل نخواهد آمد:

قلب آتش دید و در دم شد سیاه قلب را در قلب کی بوده‌است راه
(مولوی، ۱۳۷۵: ۶۹/۴)

شاید حافظ در سرودن بیت مورد بحث در قسمت متن حاضر و تصریح ترکیباتی مانند نقد دل و قلب سیاه، به این بیت مولانا نظر داشته باشد. اگر از منظر بینامتنیت به این ابیات نظر بیندازیم، «می‌توانیم در پرتو حضور غالب این قبیل مضامین و معانی در تمامی متون عرفانی مقدم و مؤخر بر آثار مولانا و حافظ به روشنی ببینیم که محتوای مشترک بیش از آنکه ریشه در اثربخشی و اثرپذیری داشته باشد، مایه از نوعی همدلی و همسوئی معطوف به هم فرهنگی می‌گیرد» (حق شناس، ۱۳۸۷: ۱۶). «صرف شدن قلب سیاه» می‌تواند همان «مال شبهه‌ناکی» باشد که در فرموده حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم آمده و «در حرام رفتن» همان «وقع فی الحرام» حدیث نبوی باشد. بیت مذکور در متن حاضر، بینامتنیت حدیثی و از دیدگاه ژولیا کریستوا و بنیس، بینامتنیت متوازی است؛ یعنی کلمه یا عبارت برگرفته موجود در متن حاضر، شاید با کمترین تغییر از متن مادر (متن پنهان) ظاهر شده باشد، به طوری که می‌توان همان شالوده متن پنهان را در متن حاضر به وضوح دید ولی دارای معنایی بیشتر و یا با تغییر و تنوعی که به نوآوری شاعر بستگی دارد، همراه است. جمله «قلب سیاه بود» جمله تعلیلی است و ماقبل و مابعد خود را تعلیل کرده است. بنا به فرموده نبوی، امور شبهه‌ناک، به حرام ختم می‌شود و این به خوبی در سخن خواجه متبلور شده است که سکه تقلبی سیاه رنگ نمی‌تواند در امور خیر صرف شود لذا در حرام از آن استفاده گردیده است.

۵-۲- اجر عمل

متن غائب:

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده است: *إِنَّمَا يَحْصُدُ ابْنَ آدَمَ مَا يَزْرَعُ*: همانا بنی آدم آن چه را که می‌کارد، برداشت می‌نماید (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۳۳۴).

متن حاضر:

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۷۲)

عملیات بینامتنی:

انسان که در عرصه گیتی زندگی می‌کند با اعمال و رفتارش در این پهنه جان خلق اثری بسزا دارد. کوچک‌ترین عمل آدمی بازتاب محسوسی در این جهان دارد چرا که این جهان، جهانی واحد و یکپارچه است و هر جزئی از آن مرتبط با جزء دیگر است. زندگی هر موجودی در این عالم بر زندگی موجودات دیگر تأثیر دارد حتی معاصی و ذنوب، پیامدهای دنیوی و اخروی فراوانی را به دنبال دارد. در آیات نورانی وحی و نیز احادیث اهل بیت علیهم‌السلام تبیین شده که آدمی جزای کار خویش را خواهد دید حتی اگر به اندازه مثقالی کار خیر و یا شر انجام دهد، پاداش داده خواهد شد و جزایی در خور در نظر گرفته خواهد شد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال، ۹-۸). در احادیث هست که الدنیا مزرعة الأخره یعنی آدمی هر چه در این دنیا بکارد، در آخرت ثمره‌های آن را درو خواهد کرد. حافظ شیرازی در بیتی از زبان دهقان سالخورده، چنین به خامان و بی‌تجربگان تأکید می‌کند که هر چه آدمی کاشت کند، عاقبت همان را برداشت می‌کند:

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من بجز از کشته ندروی
(حافظ، ۱۳۶۲: ۹۷۰)

حکیم فرزانه طوس چنین گفته است:

و گر بد کنی جز بدی ندروی شبی در جهان شادمان نغنوی
(فردوسی، ۱۳۵۷: ۱۲۸)

سعدی شیرین سخن هم چنین زیبا سروده است:

چو دشنام گویی دعا نشنوی به جز کشته خویشان ندروی
(سعدی، ۱۳۷۴: ۶۹)

چنین به نظر می‌رسد که حافظ شیرازی این مضمون قرآنی - حدیثی را از شعرای سلف خویش گرفته باشد. شعرای دیگری هم چون سنایی، عطار، مولوی و ناصر خسرو با چنین مضمونی شعر سروده‌اند. حافظ در مصراع دوم، حدیث امام صادق علیه‌السلام را ترجمه نموده و کلام خویش را به آن مزین نموده است. بیت متن حاضر از حافظ دارای موضوع بینامتنی حدیثی است و بر طبق نظریه بینامتنی العانی، می‌توان آن را بینامتنیت تقدیری دانست، یعنی متن غائب در بافت متن حاضر پنهان می‌شود و نیاز به خوانشی عمیق‌تر از نوع اولی دارد. بین نیک و بد تضاد برقرار است. خواننده در مصراع اول، شاید سخن خواجه را نوعی گستاخی فرض کند ولی در مصراع بعدی پرده از دلسوزی و شفقت خود بر می‌دارد که دیده روشن حافظ، آینده را پیش چشم دارد نه این جهان گذرنده و ناپایدار را. مصراع دوم در قالب ارسال‌المثل در بین مردم، ساری و جاری است. حدیث امام صادق علیه‌السلام حاکی از آن است که بنی آدم در این جهان هر عملی را که انجام دهد، ثمره آن را برداشت خواهد کرد، خواجه هم با عقیده به این سخن، تصریح کرده که اعمال نیک و بد من هرچه باشد، گریبان گیر خودم خواهد شد، لذا چیدن و درو کردن محصول این اعمال عاقبت فرا خواهد رسید.

۳-۵- اخلاص و پاکی در عمل

متن غائب: امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه‌السلام: مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَا شَوْقًا إِلَىٰ جَنَّتِكَ وَ لَكِنْ رَأَيْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ: من تو را از بیم آتش دوزخ تو و یا به طمع بهشت تو عبادت و بندگی نمی‌کنم بلکه تو را از این جهت که سزاوار عبادت و بندگی هستی، عبادت می‌کنم (حلی، ۱۹۸۲: ۲۴۹).

متن حاضر:

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور با خیال تو اگر با دگری پردازم
(حافظ، ۱۳۶۲: ۶۷۰)

عملیات بینامتنی:

بر صفت زیبای اخلاص و پاکی و نقطه مقابلش صفت زشت اخلاقی «ریا» در غزلیات شورانگیز حافظ و نیز آیات نورانی قرآن کریم و احادیث معصومین تأکید شده است. انسان مخلص در پرتو عمل به دستورات الهی سعی دارد عبادتش خالصانه و به دور از تظاهر و خودنمایی باشد. امام علی علیه السلام نیز در آئینه شفاف نهج البلاغه به صفت اخلاقی اخلاص و نقطه مقابلش ریا و تظاهر اشاره کرده‌اند. از جمله: «رَجِمَ اللهُ أُمَّرَةً ... خَافَ ذَنْبَهُ قَدَمَ خَالِصاً وَ عَمِلَ صَالِحاً: خدا رحمت کند کسی را که از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد و عمل نیکو انجام دهد» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۵۰؛ دشتی، ۱۳۸۰: ۸۵). در آرمان شهر حافظ نیز، نسیم فرح بخش اخلاص به مشام می‌رسد. انسان ریاکار در این آرمان شهر، جایگاه و منزلتی ندارد و همواره ملامت می‌شود. حافظ تحقّق عبادت را به اخلاص و عبادت بدون اخلاص را فاقد ارزش می‌داند و به سبب شناخت عبادت ریایی، جسورانه وصال یار و میکده را که در خلوت صورت می‌پذیرد، برتر از عبادت مزورانه زاهد می‌داند که در آخر سر او را حوری دهند و قصری:

زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار ما را شراب‌خانه قصور است و یار حور
(حافظ، ۱۳۶۲: ۵۱۴)

این مضمون را شاه نعمت الله ولی چنین ابراز داشته است و چشم داشتن به حور و قصور را نشان کم عقلی و همت قاصر زاهد می‌داند و می‌سراید:

همت قاصر اگر می‌طلبد حور و قصور همت عالی ما هست طلبکار شما
(شاه نعمت الله ولی، ۱۳۶۳: ۱۱۸)

سخن امیر مؤمنان اوج بندگی و اخلاص است لذا خواجه خواسته است این اخلاص عمل را حتّی در فکر و نیّت خویش متبلور سازد. حافظ شیرازی به تبع کلام مولا علی ابن ابی طالب علیه السلام، طمع ورزیدن به جنّت را، عین قصور می‌داند و در اشاره به

عبارت «بل وجدتک اهلا للعباده»، عقیده دارد که با وجود فکر و خیال یار، به اغیار نخواهد پرداخت یعنی او را شایسته چنین امری دیده است. بیت متن حاضر موضوعی حدیثی دارد و نیز بر طبق بینامتنیت عزام غیرآگاهانه است یعنی با آگاهی قبلی و شکل واضح و مشخص متن غائب را در شعر و نوشته‌اش بیان می‌نماید. قصور «ایهام به دو معنی دارد: جمع قصر. قصرها و کوشک‌های بهشتی؛ و کوتاهی و کوتاه نظری. در شعر حافظ در کلمه قصور، ایهام تناسب است به قرینه حور» (فرید، ۱۳۷۶: ۴۴۲؛ اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۷۷/۲). پرداختن سوای از مشغول شدن، ایهام به خیال پردازی دارد (اهور، ۱۳۷۲: ۵۱۴/۱). (حور) و (عین) با (حورالعین) موعود در بهشت تناسب دارد. حور و قصور چنان کلام خواجه را گوش‌نواز کرده که مخاطب را به فیض این نکته رهنمون می‌سازد که طمع داشتن حتی به فردوس برین و حور و غلمان آن برای انسان کامل و عبد الهی، قصور در معرفتش را نمایان می‌سازد. شاه نعمت الله ولی هم این مضمون را از خواجه وام گرفته و انسانی را که در پی حور و قصور باشد، قاصر همت خوانده است. با دیدن این مضامین حدیثی - قرآنی است که برخی معتقدند که «نکته‌ها و لطیفه‌های قرآنی و تفسیری چنان در حافظه حافظ نشسته و در خاطر او نقش بسته و با یافته‌ها و ساخته‌های ذوق و طبع او آمیخته بوده که هنگام شاعری از شعر او جوشیده و در آن شکفته است» (جاوید، ۱۳۷۷: ۱۰).

۵-۴- امیدواری به رحمت خدا

متن غائب: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...: از بخشایش خدا نومید مباشید که خدا همه گناهان را می‌بخشاید (زمر، ۵۳).

متن حاضر:

کمر کوه کم است از کمر مور اینجا ناامید از در رحمت مشو ای باده پرست

(حافظ، ۱۳۸۲: ۲۲۸/۱)

عملیات بینامتنی:

آیات نورانی وحی و احادیث اهل بیت علیهم السلام درباره امید داشتن به خداوند متعال و قطع امید از اغیار بسیار سفارش کرده‌اند. به عنوان نمونه در قرآن کریم ناامیدی از رحمت خداوند نشانه کفر و گمراهی محض خوانده شده و این صفت مذموم مورد نکوهش شدید قرار گرفته است: «وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ؟» (حجر، ۵۶): کیست جز گمراهان که از رحمت پروردگار خویش نومید گردند؟ اگر نظری به احادیث هم بیندازیم خواهیم دید که سفارش اکید حضرات معصومین علیهم السلام مبنی بر امید بستن به رحمت خداوندی است. وجود مقدس امام باقر علیه السلام چنین می‌فرماید: «می‌خواهید فقیه (عالم دینی) راستین را به شما معرفی کنم؟ او کسی است که مردمان را از رحمت خدا نومید و از عذاب خدا ایمن و مطمئن نمی‌سازد و از بخشندگی خدا مأیوسشان نمی‌کند و پرداختن به نافرمانی و معصیت را برایشان روا نمی‌دارد» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲/ ۴۷۱). در اشعار حافظ هم این امید به رحمت واسعه الهی بارها جلوه گر شده است. وی واژه امید را ۴۶ مرتبه در دیوان اشعارش به کار برده که نشان می‌دهد این شاعر لطیف طبع از درجه امید بالایی برخوردار بوده است. سوای بیت فوق حافظ، وقتی از هول روز قیامت یاد می‌کند، از فضل و رحمت الهی چنین امیدوارانه سخن می‌گوید:

از نامه سیاه نترسم که روز حشر با فیض فضل او صد از این نامه طی کنم
(حافظ، ۱۳۶۲: ۷۰۲)

گاهی اوقات هم که دلش مغموم می‌شود سعی می‌کند به سروش غیبی دل خوش کند و منتظر نظر و رحمت حق بماند:

لطف الهی بکند کار خویش مژده رحمت برساند سروش
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۶۹)

حافظ در بیت متن حاضر یک هنجارشکنی کرده و این آیه قرآن را در زمینه باده پرستی به کار برده و دقیقه‌ای که در بیت متن حاضر است این است که ناامیدی از رحمت خداوند بزرگ‌ترین گناه است که مرحوم دست غیب آن را بعد از شرک به خدا بالاترین ذنب و عصیان می‌داند. بیت متن حاضر از دیدگاه موضوع بینامتنی، قرآنی است و بر طبق نظریه بینامتنی لوران ژنی، بینامتنیت قوی است، یعنی ارتباط دو متن در دو سطح صورت و مضمون است.

۵-۵- بهره انسان از دنیا

متن غائب: حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام: وَإِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ الطُّوْلِ وَالْعَرْضِ قَيْدٌ قَدَّهٖ. همانا بهره شما از زمین گسترده و پهناور، طول و عرض قامت شما در قبر است (امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

متن حاضر:

هر که را خوابگه آخر به دو مشتی خاک است گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را

(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۴)

عملیات بینامتنی:

انسان موجودی است آینده‌نگر که هیچ گونه از اندیشه مرگ، آزادی و رهایی نداشته است. علت هراس آور و هولناک بودن مرگ در باورها را می‌توان در تکرارناپذیری عمر آدمی و تجربه نداشتن از مرگ و جهان دیگر دانست. ابوعلی سینا دلایل ترس از مرگ را نزد افراد اندوهناک از فناپذیری هستی انسانی و زوال آدمی، به قرار ذیل معرفی می‌کند: ۱- جهل به حقیقت مرگ که خود ناشی از جهل به حقیقت نفس و بقای آن است. ۲- توهم دردناک بودن مرگ برای بدن ۳- اعتقاد به کیفر پس از مرگ ۴- تحیر به جهل به مراحل پس از مرگ ۵- تعلق خاطر به دنیا و متاع آن (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۵). حافظ شیرازی با توجه به آیات و روایات درباره مرگ، به انسان موعظه می‌کند که

با پذیرفتن مسأله مرگ نباید در بند ایوان و بارگاه بود. شعرای کهن ادب فارسی هم این مضمون را در اشعارشان بیان کرده‌اند:

نظر آنان که نکردند در این مستی خاک الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند
(سعدی، ۱۳۷۴: ۲۱۹)

سخن امیر مؤمنان برای هر انسان دل بسته به دنیا می‌تواند سخت هشدار دهنده باشد؛ دنیایی که دل بسته خویش را در کام مرگ فرو می‌برد و در خانه قبر مکانش می‌دهد. گرچه سعدی این دنیای دنی را مستی خاک تجسم نموده ولی حافظ شیرازی بهره آدمی را در این جهان دو مشت خاک دانسته و با اشاره به سخن نورانی علوی، مخاطبان اشعار خویش را موعظه می‌کند که از دل بستن به دنیا و مافیها باید بر حذر بود. موضوع بینامتنی متن حاضر، حدیثی و نیز بر طبق نظریه بینامتنی لوران ژنی، ضعیف (فقط در سطح واژه و لفظی) است. «خوابگاه آخر: کنایه از گور است که آخرین مرقد و خوابگاه است. به افلاک کشیدن: بلندمرتبه ساختن خانه و بنا» (اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۵۳/۱). اگر خاک مجاز از زمین باشد با افلاک تضاد دارد. در حقیقت سخن خواجه اشارتی است به مضمون کلام امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام که همانا بهره آدمی از زمین گسترده و پهناور طول و عرض قامت ما در قبر است لذا خاطر نشان کرده‌است که چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را.

۵-۶- بهشت در برابر عمل صالح

متن غائب: مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلَّمُونَ شَيْئًا:
آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند، به بهشت درمی‌آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت (مریم، ۶۰)

متن حاضر:

قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۱۶)

عملیات بینامتنی:

انسانی که دم از ایمان به خدا و نیز عبودیت می‌زند، پیوسته مراقب اعمال خویش است و نیز در جهت تحصیل رضای الهی با عمل صالح می‌کوشد. واژه‌های «عمل و صلح» در قرآن به همراه مشتقاتشان بالغ بر ۵۰۰ مرتبه تکرار شده است. بیش از پنجاه بار در قرآن کریم عبارت «الذین ءامنوا و عملوا الصالحات» تکرار شده است. حافظ شیرازی در بیت موجود در متن حاضر به تأثیر پذیری از آیه نورانی قرآن، فقط کسانی را که اهل عمل صالح باشند، مستحق بهشت برین دیده است. گرچه در بیتی دیگر سروده است:

بهشت اگر چه نه جای گنهکاران است بیار باده که مستظهرم به همت او
(حافظ، ۱۳۶۲: ۸۱۰)

شعراى دیگر مانند حافظ انسان‌های عامل را لایق ماوا گزیدن در بهشت دانسته‌اند:

گرچه صعب است عمل از قبل بوی بهشت

جمله آسان شود ای پور پدر بر تو صعاب
(ناصر خسرو، ۱۳۶۴: ۱۷۱)

عمل چون خالص افتد خود بهشت خویش می‌گردد

که شمع خانه زنبور هم از انگبین باشد
(صائب، ۱۳۵۷: ۳۲۸)

توبه و نیز ایمان جزء اعمال نیکی است که خداوند صاحبان این اعمال را به بهشت برین وعده داده است. خواجه هم با توجه به این آیه شریفه خواسته است تا با این سخن که (قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند) مخاطبان خویش را در وادی عمل بکشاند تا با ایمانی راسخ به اعمال صالح روی آورند. چنان که مشاهده می‌شود طبق گفته‌های دو شاعر مذکور، آن چه انسان را در فردوس مخلد می‌سازد، عمل است و

بس. خواجه راز هم به این نکته دقیق اشاره کرده و فقط عاملان به دستورات دین مبین را تصریح کرده که اهل بهشت هستند. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، قرآنی و نیز بر طبق دیدگاه بینامتنی لوران ژنی، جزء بینامتنیت قوی است. مصراع اول بیت متن حاضر ضرب‌المثل است. بین فردوس، پاداش و عمل مراعات نظیر برقرار است. بیت هم متن حافظ را می‌توان تأکیدی برای بیت موجود در متن حاضر دانست.

۷-۵- بی‌ادب لایق دوستی نیست

متن غائب: حضرت علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام: لا تَصْفُوا الْخَلَّةَ مَعَ غَيْرِ أَدِيبٍ: دوستی با شخص بی‌ادب، صمیمانه نخواهد شد (تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۳۴).

متن حاضر:

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۴۲)

عملیات بینامتنی:

گرچه در آیات نورانی قرآن کریم واژه ادب به صراحت به کار نرفته اما از مکارم اخلاقی و نیز فضیلت‌های اخلاقی بارها سخن به میان آمده است که رعایت هر یک از آنها، انسان را در انظار مردم به‌عنوان فردی با ادب جلوه گر می‌سازد. روایات عدیده‌ای در باب ادب و انسان ادیب ذکر شده است. حضرت علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام هم ادب را تحصیل شدنی دانسته و فرموده است: «العقول مواهب و الآداب مکاسب: عقل‌های مردم بخشش‌های الهی است و با سعی و کوشش به دست نمی‌آید، ادب و اخلاق است که مردم می‌توانند از راه سعی و مجاهده به دست آورند» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۱/۴۹). خواجه راز به استناد روایت نورانی علوی فقط کسی را لایق دوستی و مودت دانسته که از ادب بی‌بهره نباشد. در حقیقت «حافظ نیز در پاره‌ای از اشعار خود به آداب دوستی و معاشرت با نیکان اشاره می‌کند. وی پیر طریق را نمونه انسان کاملی

می‌شناسد که تمامی صفا و پاکی و یکرنگی و علم و معرفت را دارد و خود را سرسپرده او می‌داند» (قیصری و مهری نژاد، ۱۳۹۴: ۱۳۵). لذا در بیتی هم متن با بیت متن حاضر چنین می‌گوید:

نخست موعظهٔ پیر صحبت این حرف است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۹۴)

قریب به مضمون بیت متن حاضر از حافظ، دیگر شعرا مانند مولوی و اقبال چنین از ادب سخن گفته‌اند:

از خدا جویم توفیق ادب بی‌ادب محروم شد از لطف رب
(مولوی، ۱۳۷۵: ۱۸)

آبروی گل ز رنگ بوی اوست بی‌ادب بی‌رنگ و بوی و آبروست
(اقبال لاهوری، ۱۳۷۱: ۲۱۸)

حدیث امیر مؤمنان حاکی از آن است که دوستی زمانی رنگ صفا و صمیمیت را خواهد دید که چاشنی ادب داشته باشد. از طرفی ادب ورزی در ادب فارسی اهمیت بالایی دارد و به تصریح دو شاعر فوق، انسان با ادب دوست داشتنی است بی‌ادب از لطف رب محروم است و مطرود از اجتماع. بیت متن حاضر از دیدگاه موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق نظر بینامتنی مرتاض، مضمونی است، یعنی استفاده از مفهوم یک متن در سایر متون به بینامتنیت معنوی یا مضمون معروف است. مصراع دوم به‌عنوان ضرب‌المثل به کار می‌رود. از منظر خواجه شیراز آن چه آدمی را به شرافت مصاحبت و هم‌نشینی با معشوق مشرف می‌سازد، ادبی است که همراه علم و بصیرت بوده باشد چرا که دانستن آداب هم‌نشینی هم علمی است که موجبات ترقی فرد را در محضر دوست بیش از پیش هموار می‌نماید. در بیتی هم متن با بیت متن حاضر به این نکته اشاره صریح نموده است:

مکن ز غصه شکایت که در طریق ادب به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۶۴)

۵-۸- پیروزی نهایی با صابران است

متن غائب: حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام: *وَاسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَيَّ النَّصْرَ*: صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید که این خصلت مایه پیروزی شماست (امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰: ۶۸)
متن حاضر:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۷۲)

عملیات بینامتنی:

صبر و شکیبایی انسان را به پیروزی نهایی می‌رساند. نیک می‌دانیم هر قدر ایمان انسان به خداوند متعال و حکمت و رحمت حضرت حق جل و علی بیشتر باشد، صبر او نیز بیشتر خواهد شد. در نهج البلاغه آمده است: «لَا يَعْدَمُ الصَّبْرَ الظَّفَرُ وَ ان طَالَ بِهِ الزَّمَانُ: انسان صبور بدون ظفر و پیروزی نخواهد بود گرچه دیر به دست آید» (امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰: ۱۵۳). در روایات عدیده صبر را ثمر و میوه‌ای شیرین به نام ظفر و پیروزی دانسته‌اند که حافظ شیرازی در بیتی به آن اشاره کرده است که آخر الامر به پیروزی حقیقی به وصال می‌رسد:

باغبان گر پنج روزی صحبت گل بآیدش بر جفای خار هجران صبر بلبل بآیدش
(حافظ، ۱۳۶۲: ۵۵۸)

«دیدگاه حافظ درباره صبر از مکتب فکری او سرچشمه گرفته است و نکات تعلیمی را اغلب مناسب با اندیشه عرفانی، قلندری و ملامتی ارائه داده است» (افراسیاب پور، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

سنایی غزنوی پیشتر از حافظ صبر و ظفر را دو همزاد دانسته و چنین گفته است:

یار دل به ز صبر ننهاند ظفر و صبر هر دو همزادند
(سنایی، ۱۳۷۰: ۵۴)

ملک‌الشعراى بهار گویا این مضمون را از حافظ و سنایی گرفته و او هم این گونه سروده‌است:

بسیار صبر کردم و بسیار بردم رنج تا در پناه صبر نوبت ظفر رسید
(بهار، ۱۳۷۱: ۶۹)

انسان‌های صبور و شکیبا بنا به سخن امیر مؤمنان همیشه پیروزند. شعر کهن فارسی هم ظفر را، بر شیرین صبر دانسته و خواجه راز هم به استناد حدیث نورانی علوی صبر و ظفر را دو دوست حقیقی دانسته که بر اثر صبر، ظفر رخساره نشان خواهد داد. گویا حافظ این مضمون را سوای حدیث مولای متقیان، از سنایی گرفته باشد چرا که وی در آن جا صبر و ظفر را دو همزاد و حافظ آن‌ها را دو دوست قدیمی دانسته است. شعر حافظ بر سروده ملک‌الشعراى بهار هم تأثیرگذار بوده است. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، حدیثی و از دیدگاه بینامتنیت گروه نسل، جزء بینامتنیت نسل دوم است، یعنی به تأثیر و تأثر یک متن در متنی دیگر نظر دارند. بیت مذکور به‌عنوان ضرب‌المثل به کار می‌رود. خواجه ظفر را معلولی دانسته که علتش صبر و شکیبایی است. وی عقیده دارد در جایی که صبر وجود داشته باشد، ظفر رخساره نشان خواهد داد.

۶. پاره‌ای دیگر از اشعار تعلیمی خواجه، بر اساس نظریات بینامتنی

۶-۱- پیمان شکن و خسران دائمی

متن غائب: الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ: همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن

می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده، می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند، آنانند که زیانکارانند (بقره/۲۷)

متن حاضر:

پیمان‌شکن هرآینه باشد شکسته حال ان العهود عند ملیک النهی ذمم
(حافظ، ۱۳۶۲: ۶۲۰)

عملیات بینامتنی:

پیمان‌شکنی از جمله گناهانی است که پیوند اطمینان و اعتماد را در میان افراد اجتماع جامعه می‌گسلد. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، قرآنی و نیز بر طبق دیدگاه بینامتنی ریفاتری، احتمالی است؛ یعنی خواننده به تنهایی و بر پایه تجربه خود، پیوندی بینامتنی را بازشناسی می‌کند و بر دانش و فرهنگ خواننده، استوار است.

«مصراع اخیر بیت خواجه شیراز از متنی شاعر معروف عرب است که در آن تغییر

مختصری روا داشته و متنی گفته:

و بینا لورعیتم ذاک معرفه ان المعارف فی اهل النهی ذمم
(پرتو علوی، ۱۳۶۳: ۷۴).

صفت شکسته حالی برای پیمان‌شکنان، در کلام خواجه با (أولئک هم الخاسرون)

تطابق معنایی دارد و خواجه با به کار بردن چنین صفتی خوانندگان اشعارش را از پیمان‌شکنی بیم می‌دهد.

۶-۲- خود پسندی دلیل نادانی است

متن غائب:

حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام: اعجاب المرء بنفسه دلّ علی ضعف عقله:

خودپسندی و بلندپروازی هر انسان، دلیل بر ضعف عقل و نارسائی فکر او است (فلسفی، ۱۳۷۹: ۱/۱۴۱).

متن حاضر:

نیکنایمی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار خودپسندی جان من برهان نادانی بود
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۴۰)

عملیات بینامتنی:

خواجۀ راز خودپسندی را دلیل تام و تمام نادانی و ضعف عقل معرفی نموده است. این سروده حافظ را می توان ترجمۀ سخن نورانی امیر مؤمنان دانست. بیت متن حاضر دارای موضوع بینامتنی حدیثی و نیز بر طبق نظریۀ بینامتنی بنیس، متوازی است؛ یعنی همان شالوده متن پنهان را در متن حاضر به وضوح دید ولی دارای معنایی بیشتر و یا با تغییر و تنوعی که به نوآوری شاعر بستگی دارد، همراه است. بیت به عنوان ضرب المثل به کار می رود. خواجۀ خوانندگان اشعارش را با لفظ واژه «جان» خطاب کرده است که آنان بدانند هر چه وی می گوید از سر دلسوزی و شفقت است نه نفرت و لجابت.

۶-۳- ریا و پرهیز از تزویر

متن غائب: حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام: لا یقبل الله عملا فیہ مقدار ذرۀ من ریا: خداوند عملی را که ذره ای از ریا در آن باشد قبول نمی کند (قزوینی، ۱۴۲۹: ۱/۳۷۳)
متن حاضر:

اگر به باده مشکین کشد دلم شاید که بوی خیر ز زهد ریا نمی آید
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۶۸)

عملیات بینامتنی:

یکی از صفات ناپسند که از رابطه بد انسان با خدا حکایت می کند، ریا است. هر کاری که به «ریا» آلوده شود، به همان نسبت انسان را از خدا دور خواهد کرد. ریا فعلی است که با نیت خالص همراه نباشد و نظری غیر از نظر الهی در کار باشد و هدف از

انجام آن عمل، نمایاندن به غیر باشد. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق دیدگاه بینامتنیت متوازی است. «تقابل باده‌گساری، با زهد ریایی (تقابل دو گونه روش و رفتار) و برتری دادن به باده‌گساری در برابر زهد ریایی که عاقبت خوبی ندارد» (زیانی، ۱۳۸۵: ۳۴) می‌تواند به‌عنوان تضاد معنوی لحاظ شود.

۶-۴- سبک‌بار بودن

متن غائب: حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم: يَا عَلِيُّ نَجَا الْمُخْفَفُونَ وَ هَلَكَ الْمُثْقَلُونَ: ای علی سبک‌باران نجات یافتند و گرانباران هلاک شدند (صدوق، ۱۴۰۴: ۴۴۰)

متن حاضر:

از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش کاندرین دیر کهن کار سبک‌باران خوشست
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۰۴)

عملیات بینامتنی:

سبک‌باری یکی از شروط فلاح و رستگاری است. در حقیقت سبک‌باری از هر گناه و ذنبی و از هر گرد تعلقی، یکی از فضائل نیک اخلاقی است که حافظ به تأثیرپذیری از روایات در دیوان شورانگیز خویش آورده است. بیت متن حاضر از دیدگاه موضوعی، جزء بینامتنیت حدیثی و نیز طبق نظریه بینامتنی عزام، آگاهانه است. در بیت فوق خواجه کنایه‌وار سبک‌باران و نیز کسانی که تعلقی به زخارف دنیوی ندارند، آزاده نامیده و خوش‌ترین منظر در این دیر کهن را همین افعال انسان‌های آزاده و سبک‌بار دانسته است.

۶-۵. سود و زیان معامله‌های دنیوی

متن غائب:

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ: تا

بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد (حدید/۲۳)
متن حاضر:

سود و زیان و مایه چو خواهد شدن ز دست از بهر این معامله غمگین مباش و شاد
(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۰۸)

عملیات بینامتنی:

در حقیقت ثروت اندوز نبودن یکی دیگر از مضامین اخلاقی در اشعار حافظ است که ریشه در آیات نورانی قرآن کریم دارد. همان گونه که در آیه نورانی فوق مشاهده می‌شود اول بحث غم آمده و سپس شادی که حافظ همین تقدّم و تأخّر را رعایت کرده است. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، قرآنی و نیز بر طبق نظریه بینامتنی بنیس، جزء بینامتنیت متوازی است. بین سود، زیان، مایه و معامله مراعات نظیر برقرار است. بین سود و زیان و نیز غمگین و شاد تضاد برقرار است.

۶-۶- مصاحبت با ناهلان

متن غائب:

امام صادق علیه‌السلام:

لَا يَتَّبِعِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُوَاحِيَ الْفَاجِرَ وَلَا الْأَحْمَقَ وَلَا الْكَذَّابَ: سزاوار نیست که مسلمان با بدکار و احمق و دروغ‌گو رفاقت کند (کلینی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۴۰).

متن حاضر:

نخست موعظه پیر صحبت این حرف است که از مصاحبت ناجنس احتراز کنید
(حافظ، ۱۳۶۲: ۴۹۴)

عملیات بینامتنی:

در حقیقت حافظ مراودت و مجالست با بدان را مخلّ آوازه و شهرت دانسته که

برترین دلیل بر نادانی فرد را می‌توان همین معاشرت با نادانان دانست. حافظ سخن خود را به‌طور غیرمستقیم از سوره مبارکه فرقان و به‌ویژه سخن نورانی امام صادق علیه‌السلام گرفته که با این کلام خواسته از حسرت ابدی روز قیامت انسان را دور نگه دارد. بیت متن حاضر از دیدگاه موضوعی، حدیثی - قرآنی و نیز از منظر بینامتنی نجم، خارجی است؛ یعنی رابطه‌ای است که میان متن یا متون یک نویسنده با آثار نویسنده‌های دیگر وجود دارد. بین موعظه، پیر، صحبت و حرف مراعات نظیر است. بین صحبت و مصاحبت جناس برقرار است. خواجه بدایت راه سیر و سلوک را گوش دادن به موعظت پیر دانسته و معتقد بوده است که با مصاحبت پیر وارسته دیگر جایی برای مرادوت با انسان نالایق نمی‌ماند و باید از این مصاحبت ناجنس احتراز کرد.

۶-۷- قرآن خواندن و گریختن شیطان

متن غائب: حضرت علی علیه‌السلام: البيت الّذی یقرء فیہ القرآن و یذکر اللّٰه عزّ و جلّ فیہ تکثر برکتہ و تحضر الملائکة و تهجره الشیاطین: خانه‌ای که قرآن در آن خوانده می‌شود و نام خدا در آنجا یاد می‌شود، برکت آن بیشتر می‌شود و فرشتگان در آن حضور می‌یابند و شیطان از آن می‌گریزد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۸۸).

متن حاضر:

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه باک دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند
(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۹۲)

عملیات بینامتنی:

حافظ شیرازی هم با استناد به این حدیث علی ابن ابی‌طالب عقیده دارد که خواندن قرآن شیاطین را گریزان می‌سازد. بیت متن حاضر از دیدگاه موضوعی، حدیثی و نیز از دیدگاه بینامتنیت بنیس، متوازی است. بین دیو گریختن و قرآن خواندن مراعات نظیر وجود دارد. خواجه مخاطبان خویش را کنایه‌وار به خواندن قرآن و آیات وحی فرا

خواننده است که با تلاوت آیات وحی دیگر بیمی از وساوس شیطانی نخواهد ماند.

۸-۶. کار امروز را به فردا نیفکن

متن غائب:

وَلَا تُرْجِ فِعْلَ الْخَيْرِ يَوْمًا إِلَى غَدٍ لَعَلَّ غَدًا يَأْتِي وَ أَنْتَ فَقِيدٌ

ترجمه: کار خیر را امروز و فردا مکن، شاید فردا بیاید و تو مرده باشی (امام علی علیه السلام، ۱۴۱۴ق: ۱۵۰).

متن حاضر:

ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد؟

(حافظ، ۱۳۶۲: ۳۳۶)

عملیات بینامتنی:

در حقیقت اشعار حافظ درباره غنیمت شمردن دم و استفاده از فرصت‌های موجود، رنگ و روی کلام حضرات معصومین علیهم السلام را می‌دهد؛ به‌خصوص آن‌جا که می‌گوید: «نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا» یا «من چرا عشرت امروز به فردا فکنم» با این سخنان حضرت علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام در معنا و مضمون یکی می‌نماید: «کار خیر را از امروز به فردا مینداز شاید فردا رسد و تو نباشی». بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنی موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق نظریه بینامتنی العانی، تقدیری است. بین امروز و فردا تضاد برقرار است و نیز بین مایه، نقد و ضمان مراعات نظیر برقرار است. فضای حزن‌انگیز سخن خواجه با فضای کلام مولای متقیان مشابه است و مخاطب را از معطلی و از اضعاف فرصت‌ها بیم می‌دهد.

۹-۶- مدارا با خلق

متن غائب: أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَ أَبْغِضْ بَغِيضَكَ

هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا: در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی

دشمن تو گردد و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن زیرا شاید روزی دوست تو گردد
(امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰: ۶۹۵).

متن حاضر:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروّت، با دشمنان مدارا
(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۶)

عملیات بینامتنی:

رقت قلب حافظ چنان است که نه تنها دوستی و وفق را با دوستان توصیه می‌کند بلکه به همگان سفارش می‌کند که از آزار و اذیت دشمنان پرهیز کنند. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتن موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق نظریه بینامتنی گروه ناقدان، دریافت (خوانش) است. یعنی بینامتنیت دریافت بر این اساس استوار است که اصولاً بینامتنیت با خوانش مطرح می‌شود و بدون وجود خواننده اساساً بینامتنیتی هم وجود نخواهد داشت. بین دوستان و دشمنان تضاد وجود دارد. بیت به عنوان ضرب‌المثل به کار می‌رود. در بیت مذکور بیت ایضاح بعد از ابهام وجود دارد، یعنی در آن «این دو حرف» دارای ابهام است و «با دوستان مروّت، با دشمنان مدارا» برای توضیح آن آمده است (گودرزی، ۱۳۷۹: ۱۸۰). ایجازی که در سخن خواجه وجود دارد (تفسیر دو گیتی در دو حرف - مروّت و مدارا) و نیز تکرار عدد دو سخن خواجه، برجسته و قابل تأمل نموده است.

۶-۱۰- مراقبه و محاسبه

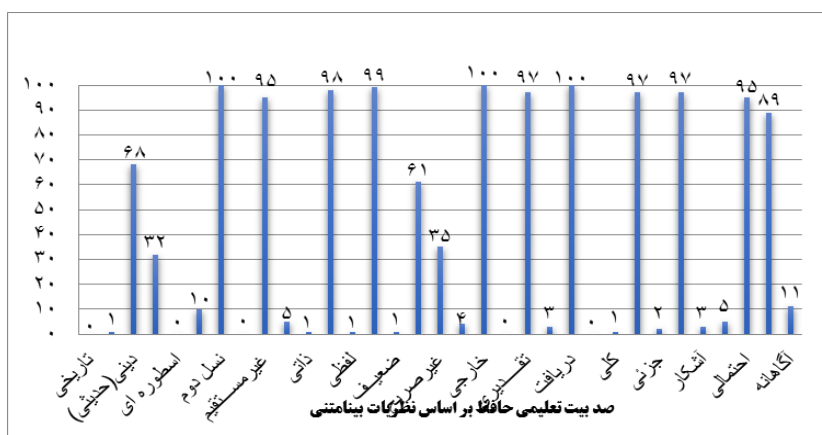
متن غائب: حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم: حَاسِبْ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ: تو باید محاسبه خود کنی و در فکر تدارک احوال خود باشی
(خوانساری، ۱۳۶۶: ۳ / ۴۱۲).

متن حاضر:

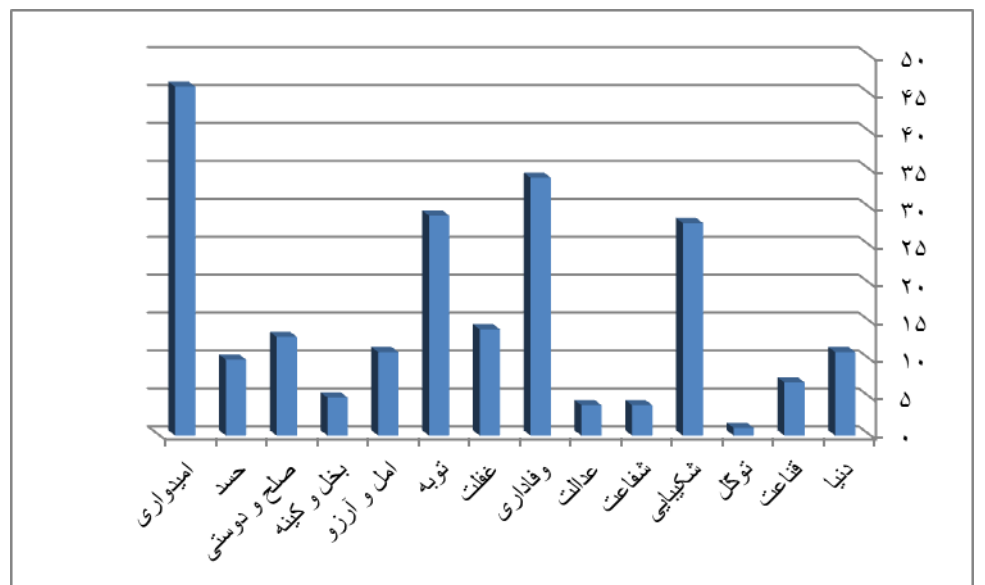
تو نیک و بد خود هم از خود پرس چرا بایدت دیگری محاسب
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۰۶۰)

عملیات بینامتنی:

حساب‌رسی اعمال در این دنیا، باعث فرح و انبساط در روز محشر می‌شود. حافظ هم گویی با عبارت «چرا بایدت دیگری محتسب» اشاره به حساب‌رسی اعمال توسط نکیرین داشته که در لفافه به روز قیامت و یوم‌الحساب می‌نماید. خواجه با به کار بردن واژگان متضاد نیک و بد سعی داشته مخاطبان اشعار خویش را به اعمال نیک تحریض نموده و از افعال شنیع بر حذر داشته چرا که از منظر وی «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» است نه محتسب. می‌توان این بیت خواجه را ترجمه گونه‌ای از حدیث نبی مکرم اسلام حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم دانست. بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق نظریه بینامتنی بنیس، بینامتنیت مضمونی است. چنان‌که مشاهده می‌شود «حافظ بار ادبیات تعلیمی را بر دوش غزل نهاده به طوری که می‌توان هم‌نشینی زیبای ادبیات غنایی را با ادبیات تعلیمی در دیوان او به تماشا نشست» (رضی و فرهنگی، ۱۳۹۲: ۸۱) و از طرفی از دیدگاه بینامتنیت قرآنی - حدیثی می‌توان پیوند و ارتباط مستحکم واژگان و ترکیبات و مضامین اشعار خواجه را با قرآن و حدیث به‌وضوح مشاهده نمود.



دینا	قناعت	توکل	شکیبایی	شفاعت	عدالت	وفاداری	غفلت	توبه	اهل و آرزو	بخل و کینه	صلح و دوستی	حسد	امیدواری	بسامد واژگان تعلیمی در اشعار حافظ
۱۱	۷	۱	۲۸	۴	۴	۳۴	۱۴	۲۹	۱۱	۵	۱۲	۱۰	۴۶	



۷- نتیجه

از دیدگاه ادبی، قرآن کریم و نیز احادیث اهل بیت علیهم السلام آثاری ارزنده و عالی هنری- ادبی هستند که تأثیر شگرفی بر آثار ادیبان متعهد جهان گذاشته‌اند و دوامین شعرا و دفاتر ادبا را مشحون از زیباترین و برترین نمونه‌های تأثیرپذیری بر مخاطب

کرده‌اند. حافظ شیرازی یکی از شعرای شهیر زبان و ادب فارسی است که به هنگام سرودن اشعار تعلیمی خویش کاملاً تحت تأثیر آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌است. بر اساس بینامتنیت موضوعی العامری در بینامتنیت واژگانی بیش از هشتاد درصد سروده‌های خواجه رنگ و رویی قرآنی دارد ولی چون لقب حافظ در قدیم‌الایام به کسی داده می‌شد که سوای از حفظ خواندن قرآن، بیش از صد هزار حدیث را در خاطر سپرده باشد، بر طبق بینامتنیت مضمونی، بیش از شصت درصد سروده‌های تعلیمی حافظ، رنگ و روی مضمون خویش را از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام گرفته‌اند. از دیدگاه نظریه بینامتنی عزام، حافظ در سرودن مضامین تعلیمی، هشتاد و نه درصد اشعار تعلیمی خود را، غیرآگاهانه سروده؛ یعنی بدون این که خود بداند تحت تأثیر آیات وحی یا احادیث بوده است. بر اساس نظریه بینامتنی الیافی، بیش از نود درصد اشعار تعلیمی حافظ، رنگ و روی قرآنی - حدیثی آن پنهان است که از دیدگاه بینامتنی ژرار ژنت هم این ادعا صدق می‌کند یعنی خواجه به صراحت مضامین برگرفته از آیات و روایات را در سخنش بیان ننموده لذا قصد پنهان کاری دارد تا مخاطب خویش را بیازماید و او را به تعاملی چند سویه وادارد. در حقیقت شعر حافظ بازترین متنی است که از دیدگاه نظریات بینامتنی، می‌توان لایه‌های پنهان تعلیمی مرتبط با آموزه‌های وحیانی - روایی را در آن آشکار کرد.

پی نوشت

۱- در این قسمت پاره‌ای از اشعار حافظ به‌عنوان هم متن از دیدگاه بینامتنیت در تأیید اشعار متن حاضر استفاده شده است.

منابع

۱- قرآن کریم. (۱۳۹۲). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: هلیا.

- ۲- امام علی ابن ابی طالب علیه السلام. (۱۳۸۰). **نهج البلاغه** (سید رضی). ترجمه محمد دشتی. قم: امیرالمؤمنین.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ۴- اسلامی نژاد آرانی، عباس. (۱۳۷۹). **اثر پذیری حافظ از قرآن و حدیث**. کاشان: مرسل.
- ۵- اشرف زاده، رضا. (۱۳۸۱). **پیغام اهل راز**. تهران: اساطیر.
- ۶- افراسیاب پور، علی اکبر. (۱۳۹۱). **فضیلت صبر در ادبیات تعلیمی**. پژوهش نامه ادبیات تعلیمی. سال چهارم، شماره شانزدهم، ص. ص. ۱۳۰-۱۰۳.
- ۷- اقبال لاهوری، محمد. (۱۳۷۱). **دیوان اشعار**. تهران: علمی.
- ۸- امامی، زهره. (۱۳۹۳). **بررسی بینامتنیت قرآنی در اشعار دیک الجن الحمصی**. مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت. به کوشش سید محمد رضی مصطفوی نیا (۱/ ص. ص. ۳۵۱-۳۲۳). قم: پویشگر.
- ۹- امانی، رضا؛ احمدی، محمدنبی و شادمان، یسرا. (۱۳۹۲). **بررسی چگونگی ارتباط قرآن و شعر جاهلی با رویکرد بینامتنیت**. فصلنامه مطالعات ادبی - قرآنی. دانشکده اصول دین قم. سال اول، شماره ۱، ص. ص. ۹۳-۷۳.
- ۱۰- اناری بزرچلوئی، ابراهیم و رنجبران، سکینه. (۱۳۹۱ ش). **بررسی اصطلاحات بینامتنی در زبان فارسی و عربی با تکیه بر نظریه ژرار ژنت**. فصلنامه ادب پژوهی دانشگاه گیلان. شماره ۲۱، ص. ص. ۱۹۰-۱۷۱.
- ۱۱- انطون، الیاس. (۱۳۷۰). **فرهنگ نوین**. ترجمه سید مصطفی طباطبایی. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- ۱۲- اهور، پرویز. (۱۳۷۲). **کلک خیال انگیز یا فرهنگ جامع دیوان حافظ**. تهران:

اساطیر.

- ۱۳- بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۰ ق). منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه). ترجمه عدّه‌ای از فضلا. تهران: فرهنگ سبز.
- ۱۴- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۱). دیوان کامل اشعار. تهران: علمی.
- ۱۵- بیگ باباپور، یوسف. (۱۳۸۴). تأثرات مولانا از آثار سنایی. کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۹۵، ص. ۹۷-۱۰۷.
- ۱۶- پرتو علوی، عبدالعلی. (۱۳۶۳). بانگ جرس. تهران: خوارزمی.
- ۱۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- ۱۸- جاوید، هاشم. (۱۳۷۷). حافظ جاوید. تهران: فرزانه روز.
- ۱۹- جمعه، حسین. (۲۰۰۳). المسبار فی النقد الادبی. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- ۲۰- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). دیوان حافظ شیرازی. تصحیح خانلری. تهران: خوارزمی.
- ۲۱- حق شناس، محمد علی. (۱۳۸۷). مولانا و حافظ، دو همدل یا دو همزبان. فصلنامه نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس. سال اول، ص. ۱۱-۲۸.
- ۲۲- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۰). الحیاه. ترجمه احمد آرام. تهران: فرهنگ اسلامی.
- ۲۳- حلبی، احمد طعمه. (۲۰۰۷). التناص بین النظریه و التحقیق: شعر البیاتی نمودجا. دون رقم الطبع. دمشق: وزاره الثقافه.
- ۲۴- حلبی، حسن ابن یوسف. (۱۹۸۲ م). نهج الحق و کشف الصدق. بیروت: دارالکتاب اللبنانی.

- ۲۵- حیدری، فاطمه و دارابی، بیتا. (۱۳۹۲). بینامتنیت در شرق بنفشه اثر شهریار مندنی پور. فصلنامه جستارهای ادبی دانشگاه تربیت مدرس. شماره دو. ص.ص. ۷۴-۵۵.
- ۲۶- خسروی، کبری؛ میرزایی، محمود و فتاحی، زینب. (۱۳۹۳). بینامتنیت قرآنی در اشعار نزار قبانی. مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت. به کوشش سید محمد رضی مصطفوی نیا (۳/ص.ص. ۲۰۱-۱۷۵). قم: پویشگر.
- ۲۷- راستگو، سید محمد. (۱۳۷۶). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت.
- ۲۸- الرباعی، عبدالقادر. (۲۰۰۹ م). الصورة الفنية فی النقد الشعری (دراسة فی النظرية و التطبيق). عمان: دار جریر.
- ۲۹- رحیمیان، سعید. (۱۳۸۸). چکیده عقل ناب. رساله‌های از هراس از مرگ. تهران: بنیاد ابن سینا.
- ۳۰- رستم پور، رقیه. (۱۳۸۴ ش). التناص القرآنی فی شعر محمود درویش. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی تهران. شماره ۳، ص.ص. ۳۴-۱۵.
- ۳۱- رسولی، حجت؛ ظهیری، محمد و زرگانی، مصطفی. (۱۳۹۱). التناص القرآنی فی شعر حسان بن ثابت الانصاری. دراسات فی نقد الادب العربی، شماره ۵ ص.ص. ۴۴-۲۷.
- ۳۲- رنجبر، جواد و احمدی، خاطره. (۱۳۹۴). «روابط بینامتنی داستان حضرت موسی با رمان طارق السماء». فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۱، ص.ص. ۲۶-۹.
- ۳۳- روضاتیان، مریم و میرباقری فرد، سید علی اصغر. (۱۳۹۰). خوانش بینامتنی، دریافت بهتر متون عرفانی. کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۲۳، ص.ص. ۸۹-۱۱۲.
- ۳۴- رضی، احمد و فرهنگی، سهیلا. (۱۳۹۵). لحن تعلیمی در دیوان حافظ. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهقان. سال پنجم، شماره هجدهم، ص.ص. ۱۰۲-۷۹.

- ۳۵- زیانی، جمال. (۱۳۸۵). **گل‌واژه‌های شعر حافظ**. شیراز: نوید شیراز.
- ۳۶- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳). بینامتنیت؛ پیشینه و پسینه نقد بینامتنی. **فصلنامه هنر و معماری**. شماره ۵ ص. ص. ۱۷۲-۱۸۵.
- ۳۷- سالم، سعدالله محمد. (۲۰۰۷). **مملکه النص**. بیروت: دارالکتاب العالمی.
- ۳۸- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۷۴). **کلیات سعدی**. مقدمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: اقبال.
- ۳۹- سلمانی، محمد علی؛ یاری، علی اصغر و قاسمیان نسب، راضیه. (۱۳۹۰). بینامتنی لفظی شعر بدوی جبل با قرآن کریم. **فصلنامه لسان مبین**. سال سوم، شماره ششم، ص. ص. ۱۰۷-۱۲۳.
- ۴۰- سنایی، ابوالمجد مجدود ابن آدم. (۱۳۷۰). **حدیقه الحقیقه**. تصحیح مدرس رضوی. تهران: علمی.
- ۴۱- شاه نعمت الله ولی، سید نورالدین نعمت الله. (۱۳۶۳). **دیوان اشعار**. تصحیح صغری دهشت. تهران: سنایی.
- ۴۲- شبل، محمد عزه. (۲۰۰۷). **علم اللغة النص النظریه و التطبيق**. تقدیم سلیمان العطار. القاهره: مكتبة الاداب.
- ۴۳- صائب تبریزی، میرزا محمد علی. (۱۳۵۷). **کلیات اشعار صائب**. تهران: فرهنگ.
- ۴۴- صافیان، محمد جواد و مهدی غیاثوند. (۱۳۹۰). هرمنوتیک گادامری و تأویل بینامتنی. **نشریه ذهن**. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. شماره ۴۸، ص. ص. ۷۸-۵۱.
- ۴۵- صدوق، محمد ابن علی. (۱۴۰۴ ق). **من لا يحضره الفقيه**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴۶- صلاحی مقدم، سهیلا و امیری، اکرم. (۱۳۹۲). تأثیرپذیری امام خمینی (ره) و حزین لاهیجی از حافظ در موسیقی کناری (ردیف) بر اساس نظریه ترامتنیت. **هفتمین**

- همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (ص.ص. ۱۲۱۲-۱۲۲۰) هرمزگان.
- ۴۷- العامری، لیلا. (بی تا). مفهوم التناص. لبنان: مکتبه الشامله.
- ۴۸- العانی، شجاع مسلم. (۱۹۹۸). اللیث و الخراف المعضومه دراسه فی بلاغه التناص الأدبی. بغداد: دار الشؤون الثقافیه.
- ۴۹- العانی، شجاع مسلم. (۱۹۹۹ م). قراآت فی الأدب و النقد. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- ۵۰- عبدالعاطی، کیوان. (۱۹۹۸). التناص القرآنی فی شعر أمل دنقل. قاهره: مکتبه النهضه العربیه.
- ۵۱- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۵۷). شاهنامه با مقدمه عبدالصمد سیفیان. تهران: پیمان.
- فرید، طاهره. (۱۳۷۶). ایهامات دیوان حافظ. تهران: طرح نو.
- ۵۲- فلسفی، محمدتقی. (۱۳۶۸). الحدیث - روایات تربیتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵۳- قزوینی، ملا خلیل بن غازی. (۱۴۲۹ ق). الشافی فی شرح الکافی. تصحیح محمد حسین درایتی. قم: دار الحدیث.
- ۵۴- قیصری، حشمت و مهری نژاد، سیده رقیه. (۱۳۹۴). تأثیرپذیری حافظ از نظامی در آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهقان. سال هفتم، شماره بیست و ششم، ص. ص. ۱۵۶-۱۲۹.
- ۵۵- کراچکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد. قم: دار الذخائر.
- ۵۶- کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی. تهران: اسلامیه.
- ۵۷- گودرزی، محمود. (۱۳۷۹). حافظ از دیدگاه فنون بلاغی. قم: ظفر.
- ۵۸- ماضی، شکری عزیز. (۲۰۰۵ م). فی نظریه الأدب. بیروت: المؤسسة العربیه

للدراستات و النشر.

- ۵۹- مجلسی، سید محمد باقر. (۱۳۸۰). بحار الانوار. قم: نور.
- ۶۰- مسبوق، سید مهدی و دریادل موحد، اعظم. (۱۳۹۱). بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن زُرّیک. دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم جهاد دانشگاهی. سال سوم، شماره یک، ص. ص. ۴۰-۳۱.
- ۶۱- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۵). مثنوی. تصحیح استعلامی. تهران: علمی
- ۶۲- میرزایی، فرامرز و واحدی، ماشاءالله. (۱۳۸۸). روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵: ص. ص. ۳۲۲-۳۰۰.
- ۶۳- ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین. (۱۳۶۴). دیوان اشعار. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: فرهنگ.
- ۶۴- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت؛ نظریه‌ها و کاربردها. تهران: سخن.
- ۶۵- ناهم، احمد. (۲۰۰۴). التناس فی شعر الرواد. بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه.
- ۶۶- نجم، مفید. (۲۰۰۱ م). التناس الداخلي فی تجربه الشاعر محمود درویش. الرافد. مجله شهریه ثقافیه جامعه، عدد ۵۱، ص. ص. ۹۰-۷۱
- ۶۷- نظری، علی؛ عزیزی، نعمت؛ باقری، کلثوم و صحرایی، الهام. (۱۳۹۳). بازتاب مضامین دینی در شعر برهان‌الدین عبوشی. مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت. به کوشش سید محمد رضی مصطفوی نیا (۶/ ص. ص. ۵۷۴-۵۵۳) قم: پویشگر.
- ۶۸- نعیمه، جهاد عطاء. (۲۰۰۱ م). فی مشکلات السرد الروائی. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- ۶۹- ورام ابن ابی فراس. (۱۳۷۱). مجموعه ورام (تنبيه الخواطر). قم: مکتبه فقیه.

- ۷۰- یلمه‌ها، احمد‌رضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهاقان. سال سوم، شماره یازدهم، ص. ص. ۱۷۵-۱۵۳.
- ۷۱- ----- (۱۳۹۵). بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهاقان. سال هشتم، شماره بیست و نهم، ص. ص. ۹۱-۶۰.

